[19] فردي برای هدايت مردم سخن گويد، از اينرو رو بفرزندش حسن عليه السلام كرد وگفت: پسر برخيز ودر باره أبو موسى وعمروبن عاص سخن بگو، امام حسن عليه السلام برخاست وچنين فرمود: أي مردم دربارهء اين دو مرد كه به حكميت انتخاب شدند سخن بسيار گفتند، ما آنان را انتخاب كرديم تا از قرآن بر ضد هوسها حكم دهند، ولى آنها از هوس خود عليه قرآن حكم دادند، بنابراين چنين كسانى را نبايد حكم نام نهاد، بلكه آنان محكوم عليه هستند. در جنگ نهروان: پس از جنگ صفين آنانكه امام را مجبور به پذيرش حكميت أبو موسى كرده بودند، بر امام اشكال گرفتند كه چرا حكميت أو را پذيرفتى، تا اينكه از كوفه بيرون آمدند ودر نهروان اردوگاهى برپا ساختند، پس از آنكه چند نفر را بقتل رساندند امام به جانب آنان حركت كرد وپس از جنگ سختى آنان را بقتل رساند، امام حسن عليه السلام در اين جنگ نيز همانند جنگهاى گذشته با رشادت ودليرى خاص خود به يارى امام برخاست وبا سخنان آتشين خود مردم را به يارى پدرش ونبرد با خوارج فرا خواند. در شهادت پدر: پس از جنگهاى بى نتيجهء خونين صفين ونهروان ارتش امام دچار ناتوانى وخستگى شد وسستى در ياران آن حضرت پديدار گرديد، دعوت أو را نپذيرفته واز فرامينش اطاعت نمى نمودند، اين سختى ها وناگواريها چنان كام امام را تلخ ساخته بود كه ديگر زندگانى برايش دردناك ومصيبت بار بود وهميشه آرزوى مرگ مى كرد تا از اين دنياى سياه وتاريك به جهان روشنى ها كوچ كند وهر لحظه اين آرزو را _____